

سناریوی مرگ کودک به علت سوختگی  
در یکی از روستاهای شهرستان قائنات  
دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

## سوختگی باکشک وتریاک درمانی!



فاطمه قطبی

کارشناس مسئول سلامت خانواده دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

مرضیه مروی

کارشناس مرکز خدمات جامع سلامت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

محمد ناصری

بهورزخانه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

نقلیه شخصی کودک را به بیمارستان شهرستان سرایان برده تا با تشخیص پزشک کشیک بیمارستان برای درمان به مرکز استان (بیرجند) اعزام شود.

کودک از تاریخ حادثه یعنی ۲۰ اسفند به مدت ۲ روز در بیمارستان امام رضا (ع) بیرجند با تشخیص سوختگی بالای ۵۱ درصد بستری شده، ولی به علت مخالفت پدر کودک نسبت به بستری در بیمارستان و با بی توجهی نسبت به پیگیری‌ها و توصیه‌های مکرر از جانب مسؤولان، کودک را با رضایت شخصی ترخیص می‌کنند.

کودک پس از ترخیص از بیمارستان طی ۱۲ روز در منزل به روش‌های درمانی سنتی و غیر بهداشتی (دود تریاک و...) توسط خانواده، مورد مداوا قرار می‌گیرد که متأسفانه حال عمومی‌اش بدتر می‌شود. البته طی مدت مذکور که کودک در منزل بوده توسط بهورز، کارشناس و پزشک مرکز خدمات جامع سلامت منطقه به شکل حضوری ویزیت و مراقبت شده و هر بار نیز توصیه‌های مکرر برای بستری بیمار در بیمارستان به والدین می‌شود که مثمرتر نبوده است! پس از پیگیری‌ها و مراجعه متعدد به منزل کودک، در مورخه ۱۴۰۰/۱/۵ یعنی دو هفته بعد از حادثه، خانواده کودک را با شرایط حال عمومی بد به بیمارستان فردوس منتقل و با دستور پزشک بستری و از آنجا به علت وخامت حال کودک، او را به مشهد اعزام می‌کنند. در مورخه ۱۴۰۰/۱/۷ کودک وارد فاز بیهوشی شده و متأسفانه در ۱۴۰۰/۱/۱۱ فوت می‌کند.

### این مرگ اتفاق نمی‌افتاد و کودک زنده می‌ماند اگر:

- جای طبخ و تهیه کشک در محلی دور از حضور و دسترس کودکان بود.
- مادر و بقیه بزرگ‌ترها از کودکان غافل نمی‌شدند، محیط امنی برای بازی بچه‌ها فراهم می‌کردند و بیشتر مراقب آن‌ها بودند.
- خانواده به دستورات بهورز و پزشک برای بستری بموقع توجه می‌کردند و اقدام بموقع انجام می‌گرفت.
- کودک را با رضایت شخصی از بیمارستان ترخیص نمی‌کردند و درمان خودسرانه انجام نمی‌شد.

مادر به همراه دوقلوهای چهارساله‌اش، اول صبح برای درست کردن کشک محلی به منزل پدر بزرگ می‌رود. دوقلوها در محوطه حیاط مشغول بازی می‌شوند و مادر برای کاری به داخل ساختمان می‌رود.

دیگ دوغ که آتش زیر اجاق آن تازه خاموش شده بود تا از آن کشک مورد نیاز تهیه شود در گوشه‌ای از حیاط به چشم می‌خورد که هنوز از آن بخار بلند می‌شد. کنجکاو و بازیگوشی دوقلوهای چهارساله آن‌ها را به سمت اجاق و دیگ می‌کشاند. چند لحظه بعد، قُلِ دختر، برادرش را هُل می‌دهد و همزمان صدای فریاد بلند می‌شود. مادر که سراسیمه بیرون می‌دود، کودکش را داخل دیگ می‌بیند!

بقیه ساکنان خانه هم بیرون می‌دوند و کودک را از دیگ بیرون کشیده و زیر آب سرد می‌برند و بعد با وسیله